

# عقد و شروط اساسی آن

نفعی باو عاید نمی شود مثل صلح بدون عوض ...  
پاره از عقود با ایجاب و قبول انجام می پذیرد  
و در بعض دیگر تسلیم شئی که موضوع تعهد است نیز لزوم  
دارد مثل هبه .

رابطه حقوقی بین متعاقدين با ایجاب و قبول ایجاب  
می شود و سند کتبی برای اثبات عقد تنظیم می گردد .  
بموجب ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه برای  
صحت هر معامله چهار شرط اساسی لازم است (۱) رضای  
طرفین (۲) اهلیت طرفین (۳) معین بودن موضوعی که  
مورد معامله می باشد (۴) قانونی بودن جهت معامله

## رضای طرفین

نه فقط رضای کسی که ذرائع عقد تعهد را باید انجام دهد  
لزوم دارد بلکه رضای طرفی که عمل بنفع او انجام میدهد و هیچ  
نوع تعهدی هم ندارد نیز لازم است : برای اینکه قبول مبین رضا  
باشد باید با ایجاب توافقی و تناسب داشته باشد توافق ایجاب و قبول  
در شخص متعاملین در هر مورد ضرورت ندارد ملا در صورتیکه  
ایجاب برای اشخاص متعدد بوده و بعضی آنرا رد و بعضی  
دیگر قبول نمایند طبق قانون فرانسه عقد نسبت به شخصی  
که آنرا قبول کرده اند در صورتیکه شخصیت طرف علت  
عمده عقد نباشد صحیح است در هر صورت باید دقت نمود  
که قصد طرفین چه بوده ؟ آیا برای قبول انفرادی نیز  
رضایت داشته اند ؟ در حقوق فرانسه اشتباه و تدلیس و اکراه  
و در پاره موارد غیر متضمن فقدان رضا و موجب بطلان  
عقد میباشد .

## اشتباه

هر گاه اشتباه راجع بموضوع عقد باشد موجب  
بطلان آن است مثلاً زید فروش مالی را بمرو اعلام میکند  
شخص دوم با تصور اینکه زید مال را باو هبه نموده قبول  
میکند و همچنین هر گاه اشتباه مربوط بموضوع معامله

نظر بمقررات قانون مدنی ایران و ماده ۱۱۰۱  
قانون مدنی فرانسه عقد عبارت است از اینکه يك يا چند  
نفر در مقابل يك يا چند نفر دیگر بدادن مال و یا انجام امر  
و یا عدم انجام آن تعهد نمایند و مورد قبول آنها باشد .

تعهد رابطه حقوقی است که بموجب آن شخص  
مکلف می شود مالی به متعهدله بدهد یا اقدام به امری  
کند و یا از اقدام به آن خودداری کند .

## منشأ تعهدات

تعهد ممکن است از پنج منشأ مختلف ناشی شود :  
( ۱ ) عقد ( ۲ ) شبه عقد ( ۳ ) جرم ( ۴ ) شبه جرم  
( ۵ ) قانون که بعضی از این ها در قانون مدنی ایران تحت  
عنوان الزامات ذکر شده است .

ممکن است طرفین عقد تعهدات متبادله داشته باشند مثل  
عقد بیع و اجاره که بمجرد وقوع عقد باید طبق  
شروط مقرر مبیع را بمشتری تسلیم کند و مشتری نیز  
ثمن را باو بپردازد و ممکن است تعهد مخصوص یکطرف  
باشد و طرف دیگر تعهدی نداشته باشد مثل عقد قرض  
که مقرض باید مالی را که قرض نموده است رد کند و  
و مقرض تعهدی که ناشی از عقد قرض باشد ندارد .  
ممکن است عقد منجز باشد یا معلق عقد منجز آن است  
که بمجرد وقوع طرفین می توانند از نتایج قانونی آن  
استفاده کنند مثل عقد بیع که بمحض وقوع عقد بایع مالک  
ثمن و مشتری مالک مبیع می شود و عقد معلق آن است که  
اثرات آن منوط بامر دیگری است . مثل عقد بیمه .  
ممکن است عقد معوض و یا غیر معوض باشد عقد معوض  
آن است که برای متعاقد در مقابل مالی که میدهد یا امری  
که انجام می نماید نفعی عاید شود مثل بیع و غالب عقود  
دیگر عقد غیر معوض آن است که در مقابل مال که میدهد

باشد مثل اینکه زید ده خروار برنج میفروشد و عمرو بقره و اینکجه بیع گندم است میخرد که موجب ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی چنین بیع نیز باطل است ۱۰ اگر چه ماده ۲۰۰ قانون مدنی ایران میگوید «اشتباه وقتی که مربوط بموضوع معامله باشد معامله نافذ نیست» ولی بامدافه در مواد دیگر قانون مذکور معلوم میگردد که مقصود مقنن همان بطلان معامله بوده است .

قانون فرانسه در باره موارد اعتراض بصحت عقد را در اثر فقد رضای حقیقی مخصوص بخود متعاملین دانسته ، بالنتیجه بوراث و قائم مقام دیگر آنها اجازه این اعتراض را نداده است ماده ۱۸۰ قانون مدنی میگوید : « در صورتی که عقد نکاح بدون رضای یکی از طرفین واقع شود شکایت فقط از خود زوجین پذیرفته است »

در مواردیکه رضای پدر و مادر برای صحت عقد نکاح لزوم دارد مأمور ثبت احوال باید ورقة تنظیم نموده رضایت ایشان را قید نماید . « ماده ۷۳ قانون مدنی » برای اینکه در تحقیق و تشخیص رضای والدین جدیت تمامی به عمل آید ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی مقرر داشته : در موردی که برای صحت عقد نکاح رضایت پدر و مادر و یا شخص دیگر لزوم داشته باشد و مأمور ثبت احوال قبل از حصول اطمینان کامل رضایت آنها را تصدیق کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا یک سال و جزای نقدی از شانزده تا سیصد فرانک محکوم خواهد گزیدند .

۵۱

اکراه ممکن است در اثر ترس و وحشت حاصل شود ولی عملی که موجب اکراه می شود باید مخالفت با قانون داشته باشد و بنابر این هرگاه طلب کار مدیون خود را با تظلم بمراجع قانونی تهدید کند و بالنتیجه مدیون تمهد خود را تجدید کند نمی توان به عنوان این که اکراه در تمهد دخالت داشته به صحت آن اعتراض نمود .

اثبات دعوی اکراه با تمام طرق استدلال پذیرفته است .

غبن

تقلباتی که موجب فریب طرف معامله بشود تدلیس نامیده می شود تدلیس در صورتی موجب بطلان عقد است که معلوم شود وقوع عقد در اثر آن بوده و گرنه عقد واقع نمی شد و تدلیس بر خلاف اکراه در صورتی سبب بطلان عقد است که بوسیله خود طرف معامله واقع شود در صورتیکه تدلیس کننده کسی دیگر باشد هرگاه طرف معامله در تدلیس معاوونتی کرده باشد عقد باطل است . استفاده از تدلیس با علم و اطلاع از آن و بی اطلاع گذاشتن طرف دیگر از تدلیس معاوونت محسوب است .

قیمت شخص ثالث محسوب نیست و تدلیس او موجب بطلان عقد است در صورتیکه نماینده قانونی تدلیس کند و متضرر بطرفیت خود متعاقب اقامه دعوی نماید دیگر نمی تواند بعنوان مطالبه ضرر و زیان از خود تدلیس کننده شکایت نماید .

غبن

خسارتی که بطرف معامله بدون اکراه و تدلیس وارد میشود ممکن است در اثر غبن باشد .

در حقوق فرانسه اصولاً غبن اگرچه فاحش هم باشد مستلزم حق فسخ معامله نیست زیرا شخص قبل از عقد تعمق لازم را ننموده و در نتیجه بی احتیاطی خود مقبول و متضرر گردیده و خسارت ناشی از عدم احتیاط بهنده خود او است ولی بطوراستثنادر چند مورد ذیل رضا که شرط اساسی عقد است در اثر غبن معلول شناخته شده و بطرف مقبول حق فسخ معامله داده شده است .

۱ - تقسیم تر که در صورتیکه غبن از ربع قیمت تجاوز نماید .

ماده ۸۸۷ قانون مدنی

۲ - بیع مال غیر منقول در صورتیکه غبن از

(۳) زنان شوهردار در مواردیکه قانوناً مقرر است

(۴) اشخاصی که از شرکت در پاره اول ممنوع

می باشند

۱ - اشخاص غیر بالغ حد بلوغ در قانون فرانسه بیست و یکسال تمام تعیین شده هر پسر یا دختری که باین سن نرسیده باشد بالغ نیست « ماده ۳۸۸ قانون مدنی »  
قانون اشخاص غیر بالغ را بطور خاصی مورد توجه قرار داده و آنها را از هر حیث از حمایت خود بهره مند ساخته است .

۱ - هرگاه پس از بلوغ همین شود از معاملاتی که قبل از بلوغ نموده اند متضرر شده اند در ظرف مدت مهینی می توانند ابطال معامله را تقاضا نمایند .

۲ - برای اینکه قیم با دقت و مراقبت اموال آنها را اداره کند اموال غیر منقول قیم در مقابل اموال صغیر که تحت قیمومت او می باشد بمنزله رهن قرار داده شده تا در صورتیکه از عمل یا مسامحه قیم خسارتی متوجه او گردد بسهولت بتواند خسارت خود را ترمیم نماید  
ماده ۴۵۰ و ۲۱۲۱ قانون مدنی

۳ - مهلت مرور زمان تاحین بلوغ او معطل است .  
ماده ۲۲۵۲ قانون مدنی

۴ - هر دعوی که باشخص غیر بالغ تماس داشته باشد باید بمدعی الموم ابلاغ شود

۵ - در امور جزائی هرگاه شخص غیر بالغ که کمتر از هیجده سال تمام داشته باشد بمدلیه احضار شود محکمه قبل از رسیدگی بدعوی باید تحقیقات کند که آیا غیر بالغ حین ارتکاب معیز بوده یا نه ؟ و همچنین اموال و نظایر آنها

رفع حجر

شخص غیر بالغ که تحت ولایت و یا قیمومت زندگی می کند با رعایت شروط مقرره ممکن است از این قید آزاد گردیده و زندگی مستقل داشته باشد .

رفع حجر ممکن است صریح و یا ضمنی باشد صریح است هرگاه پدر و در صورت نبودن او مادر از اموال صلیح رفع

هفت دوازدهم قیمت تجاوز کند و حق فسخ مخصوص با بیع است  
ماده ۶۷۴ قانون مدنی

۳ - معاملات راجعه به حیوانات مختصه بزراعت و مواد مربوطه باصلاح و آبادی اراضی مزروعه در صورتیکه غبن از ربع قیمت تجاوز کند . حق فسخ معامله مخصوص به خریدار می باشد .

قانون ۸ ژوئیه ۱۹۰۷

۴ - معاملات شخص غیر بالغ - هرگاه غیر بالغ مرفوع الحجر نباشد نسبت بتمام معاملات خود می تواند دعوی غبن نماید ولی در صورتیکه مرفوع الحجر باشد دعوی غبن فقط در معاملاتی مسموع است که از حدود اهلیت او خارج بوده و بدون اطلاع ناظر و مشاور بعمل آمده است .

ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی

برای اشخاص غیر بالغ مهلت تقاضای فسخ معامله از تاریخ بلوغ ده سال تعیین شده و برای فروشنده مال غیر منقول مهلت حق فسخ از تاریخ وقوع عقد دو سال است .

وارث در صورتیکه مدعی غبن بمقدار زاید بر ربع قیمت سهم الارث گردد تا ده سال از تاریخ تقسیم ترکه می تواند دعوی بطلان نماید مگر در مواردیکه بموجب مقررات مخصوصه مدت کوتاه تری تعیین شده است .

ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی

دعوی غبن در مورد معاملات مربوطه به حیوانات مختصه به زراعت در ظرف چهار روز از تاریخ تسلیم مال از طرف خریدار باید اقامه شود و محکمه صلح محل اقامت مشتری صلاحیت رسیدگی را دارد اگرچه میزان مدعا به زاید بر حد نصاب محکمه صلح باشد .

۴ - اهلیت ط. ذیون

بموجب ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی فرانسه اشخاصی که برای تمهید اهلیت ندارند عبارتند :

(۱) اشخاص غیر بالغ

(۲) مجبورین

که تحصیل حاصل است بی معنی بنظر میرسد ولی عملاً حجر صغار نیز پذیرفته شده است. در صورتی که سن غیر بالغ نزدیک بزمان بلوغ باشد و احتمال داده شود که پس از بلوغ اعمال حبران نا پذیر می بر ضرر خود انجام خواهد داد حجر او قبل از بلوغ خالی از فایده نیست.

### اشخاصیکه میتوانند تقاضای حجر نمایند

اشخاصیکه می توانند حکم حجر دیگر را تقاضا نمایند عبارتند از:

۱- اقربای شخص.

۲- زوج و زوجه نسبت بیکدیگر.

۳- مدعی العموم بدایت در پاره موارد.

غیر از اشخاص مذکور کسی دیگر نمیتواند حکم حجر کسی را تقاضا کند. مثلاً طلب کار بعنوان اینکه مدیون او میباشد بجنون گردیده نمی تواند حکم حجر او را بخواند. قانون با اقربای شخص بطور مطلق و بدون اینکه در درجه قرابت نظری داشته باشد حق تقاضای حجر را داده و بنا بر این در صورتیکه اقربای نزدیک مسامحه کنند اقربای دور می توانند حکم حجر را تقاضا نمایند. قیوم می تواند از طرف صغیر حجر کسی را که با غیر بالغ قرابت دارد تقاضا نماید. زن شوهر دار بدون اجازه شوهر نمیتواند حکم حجر کسی را بخواند در صورتیکه حجر شوهر خود را بخواند تقاضا کند باید قبلاً از محکمه اجازه به گیرد.

نا تمام - مهدی وحدت

حجر را تقاضا نمایند. در صورت نبودن مادر شورای خانوادگی می تواند این تقاضا را انجام دهد. در صورتیکه غیر بالغ یا نوزده سال تمام داشته باشد پدر یا مادری تواند رفع حجر او را تقاضا کند ولی قبل از اینکه هیجده سال تمام داشته باشد تقاضای مذکور از شورای خانوادگی پذیرفته نیست. امین صالح پس از استماع اظهارات صورت مجلس تنظیم و رفع حجر را تصدیق میکند.

رفع حجر ضمنی است هر گاه ولی بدون تشریفات مقرر عملاً آنرا تصدیق کند مثل اینکه بفرزند غیر بالغ خود اجازه ازدواج بدهد.

### آثار رفع حجر

شخص غیر بالغ بواسطه رفع حجر از قید ولایت یا قیمومت آزاد می شود میتواند برای خود مسکن علیحده انتخاب نموده و هر شغلی که بخواهد اختیار کند مگر شغل تجارت را که تابع مقررات مخصوصی است نمیتواند مستقلاً دارا باشد.

۲- محجورین، کسیکه اهلیت حقوقی از وی سلب میشود محجور نامیده میشود. حجر بر دو قسم است حجر قانونی و حجر قضایی حجر قانونی این است که اهلیت شخص در اثر محکومیت جزائی سلب شود حجر قضایی اینست که در اثر سفه یا جنون اهلیت او سلب گردد و موضوع بحث ما قسم دوم میباشد.

### حجر اشخاص غیر بالغ

اگر چه ظاهر ماده ۴۸۹ قانون مدنی ناظر بر حجر اشخاص کبیر می باشد و حجر اشخاص غیر بالغ